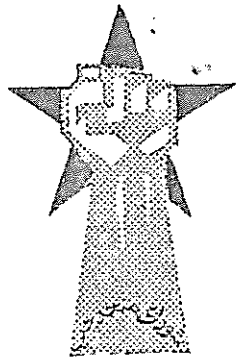


تکثیر در خارج از کشور: طرفداران شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

Postlager-Nr. 076287 A, آدرس پستی:
5600 WUPPERTAL I
WEST-GERMANY
R.V.L. حساب بانکی:
STADTSPARKASSE WUPPERTAL
KONTO-Nr. 598573
BLZ: 330 500 00

فوق العاده
دوره اختناق



نشریه شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال

شماره ۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۱

پیام شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال به پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران

شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال، پیام انقلابی و مبارزه جویانه خود را به مناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزب دموکرات کردستان ایران به رفقای کادر رهبری حزب، رفقای رزمنده پیشمرگه و همه نمایندگان انقلابی شرکت کننده در پنجمین کنگره حزب، تقدیم میدارد.

رفقای مبارز، کنگره حزب شما در شرایطی برگزار می شود که سه سال از مبارزه و مقاومت انقلابی و آزادخواهانه شما در برابر رژیم ارتجاعی و جنایتکار خینی می گذرد.

حزب شما با انتخاب شعار "دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" نشان داد که درک درست و علمی از خواسته های سیاسی و مبارزاتی خلقهای ایران، در شرایط کنونی دارد. و بسه همین دلیل تاکنون موفق شده اید که بخش عظیمی از خلق ستمدیده کرد را به شرکت در این مبارزه عادلانه تشویق کنید و آنان را متشکل ساخته، در جهت درستی رهبری کنید.

رهبری صحیح سیاسی و انتخاب متناسب تاکتیکها، حزب دموکرات کردستان ایران را در برابر توطئه های جریانهای راست و فرصت طلب و خیانتکاری که قصد نابودی حزب و تسلیم در برابر دشمن را داشتند، پیروز گردانید.

تلاش واقع بینانه حزب دموکرات ایران برای اتحاد همه نیروهای مترقی، انقلابی و آزادخواه، و شرکت فعال حزب در ایجاد شورای ملی مقاومت، مورد توجه و تحسین همه آزادخواهان و انقلابیون واقعی میهن ما می باشد.

به این وسیله، بار دیگر همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان کرد، و رزمندگان آزادخواه و انقلابی حزب دموکرات کردستان ایران اعلام میداریم و به مبارزات مشترک خود برای استقرار دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان و تضمین منافع زحمتکشان ادامه میدهیم.

شورای متحد چپ برای
دموکراسی و استقلال
آذرماه ۱۳۶۰

کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Hannover

تصویر سیاسی
اردیبهشت

تهاجم و قله

هجوم در فارس

هفته اول این ماه مقارن بود با افت "پیروزیهای سپاه اسلام" و فترت در فتح و پیشروی در جبهه های جنگ علیه عراق، لکن رژیم که دیری است آتش جنگ داخلی علیه مخالفان و تسلیبم نشدگان را برافروخته، در این فرصت به چند هجوم نظامی و سیاسی در جبهه داخلی روی آورد. تشدید حملات تجاوزکارانه علیه خلق کرد از این جمله بود. هجوم دیگر نیروهای رژیم در منطقه فارس صورت گرفت. پس از "هشدار شدید امام جمعه بقیه در صفحه ۲

دست آورد عظیم انقلاب فرهنگی جمهوری

اسلامی

سندی از فعالیتهای درخشان دیپلماسی جمهوری آخوند هاد در جهت گسترش انقلاب اسلامی ایران:

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

اداره امنیه و اموال شماره ۸۹۶/۳۵ - تاریخ ۶۱/۲/۸

بسمه تعالی

بخشنامه به کلیه نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور

پیرو بخشنامه شماره ۳۵/۱۱/۳۸ مورخ ۶۰/۱۲/۱۳ چنانچه در ساختمانهای استیجاری امکان تصویب توالی های فرنگی به نوع تخت ممکن نیست و یا مشکلاتی در ساختمانهای ملکی از جهت بنائی و غیره وجود دارد میتوانند از جعبه ای به شکل ضمیمه که روی توالی فرنگی قرار می گیرد استفاده نمایند.

معاون اداری و مالی
محمد عرب

همه معالک اسلامی متحد شوند تا اینکه دست ابر قدرتها را بمالک خودشان قطع کنند.

امام خمینی

قیام توده ها را بکشند و خواه منتظر چراغ سبز بین العلی باشند
 منطق درونی حاکمیت فالانژیسم باعث گردید که رژیم از قسواوی
 موجود ولی منفعل مخالفین سبقت گیرد و در موقع مساعد ضربه
 کاری وارد آورد. این تجربه تنها به مورد اخیر حمله به قشقایی
 ها بر نمی گردد، به دفعات تکرار شده و بعد از این هم تکرار
 خواهد شد. فرصت دادن به رژیم فالانژیستی به معنی از دست
 دادن امکانات موجود و مورد حمله واقع شدن در شرایط نامساعد
 تری می باشد. برعکس مقاومت از همان آغاز اختناق فاشیستی و
 سازماندهی و تدارک رزمی علیه فالانژیسم روشی است که از جانب
 بخشهای دیگری از اپوزیسیون با موفقیت تجربه شده و نتایج آن
 نیز هم اکنون - علیرغم شرایط بسیار دشوار حاکم - به مراتب
 درخشانتر از تجربه انفعال فوق الذکر می باشد. جنبش مقاومت
 مسلحانه خلق کرد باعث رشد و قوام سازمانهای انقلابی آن و
 خصوص حزب دمکرات کردستان ایران گردید و تجربه دیگر از
 ۳۰ خرداد به بعد سال پیش جریان دارد. به دنبال آغاز
 هجوم فاشیستی حاکمیت به نیروهای اپوزیسیون در تمام شهرها،
 دوگرایش عمده در میان اپوزیسیون خودنمایی کرد. یکی گرایش
 به مقاومت مسلحانه و سازماندهی درگیری (مساله مشی درگیری
 و انواع آن در اینجا مورد بحث ما نیست) که حامل اصلی و اساس
 سی آن سازمان مجاهدین خلق ایران می باشد و گرایش دیگر که
 نیروهای چون راه کارگر، پیکار و اقلیت را در بر می گرفت،
 یکسره پیرو سایه روشنهای گوناگون از "تئوری بقا" شدند و اکنون
 سرنویشت هر دو گرایش پیش روی ماست. اولی علیرغم وحشیانه ترین
 سرکوبها قادر است مبارزه را در سطح گسترده و به صورت فعال و
 ضربتی ادامه دهد و دومی در پیچ و خمهای دشوار و گاه بن بر
 "پرهیز از درگیری و حفظ نیرو" به تشتت، انشعاب و انفعال محض
 دچار آمده و ضربات سنگینی نیز خورده است. اصولا در شرایط
 رشد نظامی - پلیسی یک رژیم فالانژیستی اتخاذ سیاست انتظار
 منجر به از هم گسیختگی و انشعاب و تفرقه و بالاخره از هم پاشید
 گی و بخشا تسلیم و انهدام می گردد. حفظ نیروها برای سازمانها
 و جریانهای نسبتا بزرگ در شرایطی ممکن است که سیاست فعال
 مقاومت مسلحانه نیز اتخاذ گردد و تدارک سیاسی، نظامی و تشکیلا
 تی الزامات و ضروریات این سیاست نیز به عمل آید. نیروهای قشقا
 ئی از فرصتهای طولانی برای اقدام علیه رژیم و باز کردن یک جبهه
 جدید مبارزه مسلحانه در فارس هیچگونه بهره ای نبردند و عملا
 در وضعیتی که به نفع رژیم بود (بسیج وسیع نیروهای جوان در سپاه
 و بسیج...) مورد تهاجم سنگینی قرار گرفتند. اگر این حمله
 اخیر به مردم و نیروهای مسلح عشایری نقطه عطفی در روند
 سیاسی و مشی مبارزاتی آنها گردد، بازهم امید به تغییر تناسب
 قوا در منطقه فارس بهبود نخواهد بود و گرنه بدون توهم بایسد
 گفت که تجربه اخیر تجربه شکستی واقعی برای این بخش از مخالفان

شیراز به خوانین قشقایی* (کیهان، ص ۱، شماره ۴/۲/۶۱)
 و انتضای مدت اولتیماتوم سه ساعته! دادستانی کل انقلاب در
 روز شنبه، مبنی بر دعوت به تسلیم بی قید و شرط نیروهای عشایر
 قشقایی، سپاه پاسداران و ارتش دست به حمله هوایی و زمینی
 شدید و غافلگیرانه ای به عشایر در حال کوچ و چادرهای آنها
 زدند. دو روز بعد صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی کسسه
 "تصادفا" در شیراز به سر می برد اعلام کرد که "دیگر منطقه ای
 به نام اردوی خان در فارس وجود ندارد". بر طبق اخبار غیر
 دولتی که از شیراز رسید، درگیری شدید بود، و طرفین متحمل
 تلفات سنگینی شده اند، لکن برتری قوا و ابتکار عمل در دست
 مهاجمین پاسدار و لسانا نیروهای عشایری مجبور بوده اند با
 جای گذاشتن کلیه وسائط نقلیه، تجهیزات و حتی خواربار اردو
 عقب نشینی کنند. این هجوم و نتایج آن درس عبرت گرانی است
 برای نیروهای عشایری که تصور می کردند با سیاست پرهیز از
 درگیری می توانند خود را حفظ نمایند. بعد از شاخ مسات
 کردن آیت الله شریعتمداری، این هجوم سریع در واقع یک
 پیروزی نظامی برای نیروهای فالانژیست به حساب می آید. نیروهای
 قشقایی از جمله آن بخش از مخالفان حکومت به شمار می روند که
 مدتهاست به امید "روزگار مساعد" در کمین و انتظار به سر می
 برند و متوجه دینامیزم درونی رژیم فالانژیستی حاکم نمی باشند.
 این رژیم از قبل خط مشی تشنج، درگیری، هجوم و فتح مداوم
 مواضع و جایگاههای مخالفین و رقباست که انجام نسبی خود را
 حفظ کرده است. شیشه عمر این دستگاه غیر تاریخی درست در
 تداوم درگیری و اصطکاک، جنگ و خونریزی دست نخورده می
 ماند و گرنه این رژیم به سبب عدم قابلیت در ساختمان اقتصادی -
 اجتماعی و فرهنگی متعادل و محکم و رشد یابنده، قادر به
 استقرار و ثبات تاریخی نمی باشد. حاکمیت و بقای این رژیم
 فالانژیستی مبتنی بر ساختمان دستگاههای سرکوب فاشیستی و
 گسترش بی سابقه شبکه های ایدئولوژیک می باشد. از اینرو
 روشی که اضطراب را در پیش دارد هجوم نظامی و ایدئولوژیک
 و اختناق به نیروهای اپوزیسیون، مخالفان و دیگر اندیشان
 و جو عمومی جامعه است. هر بخشی از مخالفین این حکومت که
 به سیاست صبر و انتظار و یا "چراغ سبز" روی آورد، در واقع
 برای رژیم فرصتی مختم بود که در شرایط و اوضاعی که خود
 انتخاب می کند به حمله بپردازد. افزون بر این، نیروهای که
 سیاست انتظار و پرهیز از درگیری را انتخاب کردند، در پی تدارک
 و سازماندهی و آماده کردن شرایط رزمی نرفتند و این وضع خود
 مشکل را دوچندان کرد. در واقع "تئوری بقا" عملا به معنی روش
 انفعال درآمد و این مصیبت بخشهای گوناگونی از مخالفان رژیم -
 از جمله نیروهای "خلق مسلمان" و عشایری - را گرفتار کرد.
 تصدک تئوریک این نیروها به هر حجتی که باشد - خواه انتظار

رژیم و مالا به سود رژیم و در جهت تشدید اختناق در منطقه فارس اثر خواهد گذاشت .

* * *

حمله و ضد حمله در تهران

از آغاز هفته دوم این ماه ، در میان محافل انقلابی خبر هجوم قریب الوقوع پاسداران کمیته به خانه ها و مناطق " مشکوک " تهران پخش شده بود . حمله به مرکز چاپ و تدارکات سازمان سپهبد و دستگیری يك جمع سه نفری از رهبران و کادرهای این سازمان (به ادعای مسئولان رژیم) در واقع پیش درآمدی شوم از اخبار مذکور به شمار می رفت . سپس یکرشته حملات بربر منشاءه بسه " خانه های تبعی " با آب پی - جی و تیربار و . . . حکایت از ساز طرح گسترده ای مینمود . در اینجا چگونگی واکنش سازمان مجاهدین نقش تعیین کننده ای می یافت . اگر ضربات سازمان به عوامل ، نهاد ها و مراکز گوناگون رژیم شدت می یافت ، طرح گسترده هجومی پاسداران قابل اجرا و ادامه نبود و گرنه پیشروی بلامنازع آنها می توانست برای کلیه نیروها بسیار وخامت بار باشد . اما يك سلسله عملیات ضربتی و موفقیت آمیز واحد های رزمی مجاهدین نقشه رژیم را نقش بر آب کرد . تعداد و ابعاد این حملات در هفته دوم اردیبهشت ماه آنچنان بالا گرفت که پاسداران کمیته ها اضطرارا به تاکتیکهای دفاعی روی آوردند و نیروهای خود را اجبارا به نگهبانی و حراست از مراکز ، نهادها و . . . رژیم و یا تجسی و بازرسی در سر چهارراهها گماشتند . واقعیت این است که در برخی از روزها تهران عملا در وضعیت حکومت نظامی قرار گرفت و با وجود این مجاهدین قادر به انجام موفقیت آمیز عملیات بودند و تمام ادعاهای مسئولین رژیم دایر بر " متغیر شدن و نا امید شدن بقایای منافقین " یکسره بر فنا شد و اخیرا همه مسئولین علنا دستاچاه شده و حتی به نصیحت و پند و اندرز ۳۰ سلا می " روی آورده اند (نگاه کنید به متن خطبه های نماز جمععه امزشی سر فالانژ رژیم) . در اثر این ضد حمله فعال و ضربتی مجاهدین طرح حمله رژیم فعلا ناکام مانده است و این وضعیت دست آورد درخشان تاکتیک رزمی مجاهدین در تهران بود . تلفات رژیم بسیار زیاد و در مقایسه با تعداد عملیات و کیفیت آنها تلفات مجاهدین از نقطه نظر تعداد زیاد نبوده است . رژیم در این ماه هم از نقطه نظر درگیری صرف و هم از نقطه نظر روانی و تبلیغی شکست فاحشی از مجاهدین خورده است .

* * *

پایان يك توطئه

هیاهوی تبلیغاتی که به نام " توطئه کودتا " و در واقع به منظور خلع

مرجعیت از آیت الله شریعتمداری توسط عمله مکلا و معمم ولایت فقیه آغاز شده بود ، در نیمه اول این ماه به طرز عجیبی خاموش شد . حجت الاسلام خوئینی ها ، معاون ریاست مجلس و سر دسته آخوندهای روسوفیل ، طی يك مصاحبه ، مراحل و مسائل ایسن جنجال گوشخراش را جمع بندی کرده و سپس به عنوان حسن ختام از جعبه معروف مارگیری خویش اسناد لانه جاسوسی مدارکی ارائه داد و نتیجه گرفت که " با مراجعه به اسناد می بینیم کسه شریعتمداری منشاء همه جریانهای ضد انقلابی شده است " (کیهان ص ۲ ، پنجشنبه ۲/۹) . اینهم یکی از مشخصات شگفت ایسن " انقلاب " است که تصفیه حساب جابریا مخالفین و رقبا از طریق و توسل به مدارک به دست آمده از سفارت " دشمن درجه اول انقلاب " و فقط از همین سفارت انجام می گیرد ! تبلیغات روزمره مربوط به " توطئه کودتا " به دنبال پخش نوار علنا سرهسم بندی شده از گفتگوی ری شهری دادستان انقلاب ارتش با آقای شریعتمداری که حکایت از " استغفار " ایشان و استدعای کمک از " آیت الله عظمای خمینی " مینمود ، به ناگهان فروکشید و ظاهرا برونده بسته شد ؟ دیگر بر همه آشکار شده بود که مقصود اولیسه شکستن حریم آیت الله شریعتمداری بوده است . واقعیت قضیه هر طور هم بوده باشد ، يك نکته قابل تامل است و آن روش عجیب و بی سابقه رژیم در برخورد به " توطئه کودتا " بود . قانون کودتا و ضد کودتا در دوره استقرار يك " رژیم انقلابی " همیشه ثابت بوده و مبتنی بر اصل سرعت عمل در حمله و ضد حمله می باشد . در زمان کشف کودتای نوژه نیز دیدیم که رژیم با چه سرعتی توسط همین آقای ری شهری دسته دسته از افسران و افراد متهم به کودتا را پای میز محاکمه کشاند و به سرعت به جوخه های اعدام سپرد . اما اینبار قضیه که به قول خودشان " وسیعترین ابعاد توطئه " را داشت به شکل مسخره ای آغاز و به گونه ای مشکوک انجام یافت ، مهره های اصلی سناریو که به ادعای مسئولین آخوند مهدوی و صادق قطب زاده بودند متهم به اشد جرائم ممکنه شدند و لیس تا کنون نه محاکمه شده اند و نه اعدام و کل قضیه هم سیر دیگری بیمود . این " متهمین اصلی " در مصاحبه های " خود خواسته " شرکت کرده و هر يك به نوعی پای آیت الله شریعتمداری را به میان کشیدند و بلافاصله نیز جنجال " مرگ بر . . . " در رادیو تلویز یون اجرا شد و تئاتر خلع مرجعیت با آن ترتیب مفتضح بسه روی پرده آمد . موضوع اصلی هم که ظاهرا " طرح کودتائی از یکسال پیش " بود به زودی به بوته فراموشی سپرده شد . برای " امت آگاه و همیشه در صحنه " هم معلوم نگردید این شیخ مهدی مهدوی پیشنمناز مسجد قلبک تهران چه کسی بود که توانسته بود به طور علنی از مملکت محروسه و محصور اسلام به آلمان و سوریه و عربستان مسافرت کند و تماسهای سیاسی با مقامات مهم و از جمله با برادر شاه خالد

گاه با توسل به جبر و سلاح دست یافتنی نمی باشد. در نیمه اول این ماه ساله حجاب بار دیگر همچون کابوسی خوفناک روح و روان جامعه را آکنده از وحشت و نفرت کرد. در سمیناری در خوزستان که توسط " زنان انقلابی " چون عیال مندلی رجائی - رئیس جمهر معدوم حزب الله - اداره می شد، يك سلسله خزعبلات بیچارگونه تحت عنوان " قطعنامه سمینار " به تصویب رسید و بلافاصله هجسوم تبلیغاتی و سرکوب واقعی شروع شد. دادستانی به تاکسیها اخطار کرد که از دستور قبلی مبنی بر سوار نکردن زنان بی حجاب عدول نکنند و موج بی سابقه ای از شعار و شعار نویسی سراسر سطح خیابانها و دیوارهای شهر تهران و شهرستانها را فرا گرفت. اکنون شعاری که در وسیعترین ابعاد بر در و دیوار سطح خیابانها نقش بسته " مرگ بر بی حجاب " می باشد. دیگر ساله در حد روسری هم کفایت نمی کند. روپوش و چادر تیره زنگ و سفید کفش و جوراب تیره و ضخیم... تمام این تقاضاهای " اسلامی " در آغاز يك تابستان گرم و در شهری که میلیونها اتومبیل و درب و پنجره آهنی آنرا چون کوره سوزان هفت میلیونی کرده است. در روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت حدود صد نفر زن سیاهپوش چادری در طول خیابان مصدق (ولیعصر کنونی !) به راه افتادند و تحت حمایت ژ - ۳ پاسداران با دادن شعارهایی فالانژیستی تنها میدان بلوار (ولیعصر کنونی) راهپیمایی کردند. فردای آنروز کلیه مطبوعات فرمایشی تصاویر زاویه دار و سرتیترهای درشت چاپ زدند که: " طی يك راهپیمایی گسترده زنان تهران به بی حجاب ها شدیداً اخطار کردند " (کیهان ۶۱/۲/۱۶) و سایر روزنامه ها (ها) طبق نوشته همین روزنامه ها در پایان مراسم شعار داده می شده است: " قسم به خون شهدای بی حجاب، تا انتقام نگیری آرام نمی نشینیم " ! سادیسم عربان و جنون جمعی و تمایل بسسه قساوت از ترکیب این شعار " انقلابی " می بارد. در این جمله وحوش و در متن بسیاری از شعارهایی که این روزها سطح خیابانها و دیوارهای شهر را پوشانده يك خصیصه اصلی رژیم ولایت فقیه آشکار است: در قاموس این حکومت ایدئولوژیک (مکتبی)، انسانها تنها به اعتبار تسلیم محض به ایدئولوژی حاکم و دستورات آن است که انسان شعرده می شوند و لاغیر! در منطق این حکومت جائسی برای حقوق اولیه و عام انسانها در مورد پوشاک، خوراک، محصل سکونت، نوع مراد و روزمره، شادی و طراوت و کسب فیض از زیبائی طبیعت و... وجود ندارد، چه رسد به حقوق سیاسی و مدنی. این قوم قشری که از قمر لجن زارهای فرهنگ قرون وسطائی و از بطن يك زندگی سراسر نکبت و ترس و گناه به قدرت سیاسی و حاکمیت دولتی رسیده، بقای خود را در نابودی هر نوع و شکلی از اختیار و آزادی، تفاهم و مدارای اجتماعی و مراد و صلح آمیز انسانها می داند. این جماعت که هیچ توانی برای سازندگی، شکوفائی و

شعردی برقرار کند. آیا خود این شخص مرموز ماموریتی از جانب رژیم داشته و یا اینکه دست يك سرویس جاسوسی در کار بوده که نقش آقای قطب زاده در این ماجرا بسیار کودکانه ترسیم شد. چگونه وی که به هر حال از سازندگان اولیه دستگاههای رژیم می باشد ندانست که نظامیان دور و برش به مسئولین رژیم راپسورت می دهند؟ و بالاخره چرا جریان محاکمه این حضرات انجام نگرفت و بعد از بخش مصاحبه آقای شریعتمداری غائله ختم شد؟ تمام قرائن حاکی از این است که توطئه در واقع به منظور از میدان به در کردن آیت الله شریعتمداری و اینهم به خاطر پیش بردن طرح خاصی از برای ساله شورای جانشینی امام و زهرچشم گرفتن از آیات عظام در مجموع طرح ریزی شده بوده است. چند روز بعد از خوابیدن جریان تبلیغاتی مربوطه " لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی " نیز به مجلس رفت و بدون کوچکترین اعتراضی از جانب آیات عظام و فقهای که قبلاً مخالف آن بودند، مورد تصویب واقع شد. در این ماجرا، سیاست و قدرت مستقر سیاسی و نظامی حاکمیت بلا منازع خود را در مقابل مراجع مذهبی به ثبوت رساند منتهی اینبار در لباس حجت الاسلام هائی چون رفسنجانی و خامنه ای که خود را جانشینان " رهبر " می دانند و اهرمهای قدرت قاهره را در دست دارند.

* * *

حجاب حربه اختناق

سه سال پیش اوایل " پیروزی انقلاب " بود که سیاله حجاب اجباری مطرح و شخص ولی فقیه از کتخ نشین خود در قم فرمان آنرا صادر کرد. روز بعد هزاران هزار زن آزادیخواه در مخالفت با این فرمان استبداد به خیابانهای تهران ریختند و رژیم که هنوز از ولی فقیه و اعوان و انصارش تشکیل می شد، به هراس افتاده و سریعاً عقب نشینی کردند. در آن زمان اکثریت سازمانها و نیروهای اپوزیسیون این امر را که از حقوق اولیه و اساسی انسان به شمار می رود، چون يك " مساله بورژوازی " تلقی کرده و از حمایت جنبش زنان شهروند سرپا زدن، برخی از سازمانهای اپوزیسیون داوطلبانه از میان شعار وحوش حزب الهی (در آن روزگار هندوزه " امت حزب الله " تغییر نام نداده بودند) که با چوب و چماق فریاد می زدند " یا روسری یا تفسری " روسری اجباری را برگزیدند و نام این عمل را هم " تاکتیک " گذاشتند! اکنون پس از گذشت سه سال از آن روزها و ساخته و پرداخته شدن دستگاههای اختناق و فرا رسیدن " حاکمیت حزب الله " دیگر بر هر ابوالیشری روشن شده است که حربه حجاب از همان آغاز سلاح استبداد و قشریون فاشیست بود و نه رهنمودی برای عفت و اخلاق عمومی. عفت و اخلاق عمومی محصولی از فرهنگ جامعه مدنی است و هیچ

جہات کاملاً صحیح است. گرچه منظور نویسنده مقاله مزبور در "راستای گسترش انقلاب" و تحقق نظریه مربوط به "اتحاد جماہیر اسلامی" است و "آیت اللہ" مشکینی و سفیہ عالیقدر از مبلغین طسواز اول این آرزوہای دور و دراز می باشند، لکن اگر سالہ را بہ این سہل الوصولی کہ حضرات تصور می کنند نپنداریم، درجملہ فوق معنی جدی و محتلمی نیز نہفتہ است. معنی واقعی کسہ از قضا در وضعیت دشوار و پیچیدہ سیاسی و تراکم گرہ خوردہ عناصر متعدد سیاسی - اقتصادی، بہ شکل یک جنگ فرسایشی بیست ماہہ، بالاخرہ بہ مرحلہ عطف و ورق خوردن یک فصل از تاریخ سیاسی این منطقہ نزدیک می شود.

قریب سہ ہفتہ است کہ عملیات "الی بیت المقدس" نیروہای خمینی آغاز شدہ و اکنون جنگ بر سر خرمشہر از ہر دیدگاہی کہ بنگریم بہ صورت سنبل شکست یا پیروزی برای طرفین مخاصمہ درآمده است. عبور نیروہای خمینی از رود کارون، در حالیکہ قوای عراق در ساحل مقابل سنگر گرفتہ و هیچگونہ مانعت جدی بہ عرصہ نیاروندند، سہس عقب نشینی های غیر منتظرہ نیروہای عراق (کہ بعداً از جانب ہوشمندانی چون منتظری نیز توطئہ آمیز خوانندہ شد!) و بالاخرہ معوق ماندن فتح و آزادی خرمشہر کہ در آغاز خبر و وعده آن ورد زبان خطبا و واعظ و مسئولین رژیم بود و سر انجام آشکار شدن فعل و انفعالات سیاسی جدید در میان ممالک عربی حوزہ خلیج و منطقہ تا شمال افریقا، ہمہ اینہا حکایت از وضعیت بسیار حساس و حوادث واجد اہمیتی می کنند کہ در منطقہ در شرف تکوین می باشند. رژیم خمینی در ابتدای عملیات آنقدر در شوق و التہات فتح قریب الوقوع می سوخت کہ ناشیانہ تعداد زیادی از "حجت الاسلام" ہا و "آیت اللہ" های رنگارنگ را در اہواز گرد آورده و مترصد بود کہ بہ محض آزاد سازی خرمشہر کمیسر های سیاسی - ایدئولوژیک را سوار تانکهای پیروزی نماید و روانہ شہر سازد! اما جنگ علیرغم ہزاران ہزار کشتہ ہنوز ادامہ دارد و در این اثنا تحولاتی در منطقہ در گرفتہ کہ نشان می دہد ہر گردی ہم گرد و نیست. عبور آنچنانی از کارون و پیشروی سریع بلامانع آنها می تواند معنی دیگری ہم در بر داشتہ باشد. از نقطہ نظر نظامی پیشگویی نتیجہ نہائی نبرد بر سر خرمشہر کار دشواری است و نیازمند اطلاعات دقیق نظامی است، لکن با توجہ دقیق بہ جوانب گوناگون و مواضع سیاسی می توان بہ واقعیت سیاسی جاری و کتہ حوادثی کہ در منطقہ جریان دارند پی برد.

نیروہای خمینی علیرغم بسیج بی سابقہ انسانی و اتخان روش "فوج آدم در مقابل آتش" آشکارا بہ موانع سختی در جنبہ خرمشہر برخورد کردہ اند. خط مرزی شلمجہ کہ بنا بہ ادعای رژیم ہفتہ پیش فتح شدہ بود، بار دیگر بہ تصرف قوای عراق درآمده است. خبر گزارہای گوناگون خبر می دہند کہ طرفین مشغول تدارک نبرد

صلح و آزادی در خود نمی بیند، بہ بسیج تمام حال و ہیجان تودہ ہا در راہ مرگ و نیستی و سوگواری و عزا، یعنی اشتغال ہمیشگی آخوندہای شیاد و عوامفریب، روی آورده است. خون خواہی و انتقام کشی، قتل و کشتار و تجاوز رایج ترین روش روزمرہ "دولت و امت حزب اللہ" در برخورد بہ کلیہ مسائل اجتماعی مردم شدہ است. بیجہت نیست کہ ہر نیتی را با شعار "مرگ بر..." بیان می کنند و گمان نبریم کہ سالہ حجاب تنها مربوط بہ زنان شہروند بی حجاب ما می شود. خیر، این سالہ جزئی از طرح بزرگ اختناق فراگیر و استبداد ہمہ جاگیری است کہہ تحت عنوان ولایت فقیہ مبین یکی از خونخوارترین، عقب ماندہ ترین و ظلمانی ترین رژیم های ایدئولوژیک (مکتبی) طول تاریخ جہان است. در ہمین شعار های مربوط بہ حجاب نیز می توان دید کہ چگونہ این رجالہ های بہ حکومت رسیدہ قصد تجاوز دائم بہ حریم شخصی و عمومی مردم را دارند. بر خیابانہای اصفہان شعار "حجاب مرد ریش است، مرگ بر بی حجاب" نقش بستہ است و در تہران چند مورد چسباندن گیرہ فلزی بہ یقہ باز مردان و رنگ کردن بازوہای عریان پیش آمدہ است و در ضمن چند ماہی است کہ تمام مسئولین دولت بدوین استثناء ریش گذاشتہ اند! این نشانہ ہا حکایت از برنامہ اجباری کردن حجاب اسلامی برای مردان نیز می کند. این مسائل بیش از آنکہ دلیلی برای مزاح و مسخرہ باشند عمق فاجعہ ای را باز می نمایند کہ بر ملت و میہن ستم دیدہ ما واقع شدہ است: فاجعہ فاشیسم مذہبی کہ از بطن یک تحول عظیم انقلابی زادہ شدہ است سالہ متحدالشکل کردن ریخت و قیافہ و لباس و چہ بسا فرمایشی کردن خندہ و شادی و گفت و بود در آیندہ، اجزائی از یک مجموعہ مخوف فاشیستی است کہ در هیات یک رژیم ایدئولوژیک - مذہبی بر مردم ما حاکم گزیدہ است و جزء مربوط بہ حجاب آن در واقع مشتق است نمونہ از خوارو برای کسانی کہ از آغاز برخوردی "تاکتیکی" با این مسائل داشتند فاجعہ ای است عبرت انگیز!

امروزہ دیگر مشکل حجاب و سایر امور مربوط بہ حقوق ابتدائی، آنچنان با تارو بود این رژیم سفاک ایدئولوژیک گرہ خوردہ کہ حل آنها جز در سرنگونی این رژیم شدنی نیست و امید است کہ آن نیروہائی رژیم را ساقط کنند کہ بہ حقوق طبیعی و مدنی مسردان و زنان جامعہ اعتقادی عمیق داشتہ و برای نجات و تعالی جامعہ مدنی ایران می رزمند.

* * *

جنگ و سیاست در منطقہ

"سرنوشت منطقہ این روزہا در حال رقم زدن می باشد". ایہن جملہ از سزمقالہ روزنامہ جمہوری اسلامی ۶۱/۲/۲۲ از برخی

آن دیدند؛ "الخير مع الواقع" نکته ای بود که ایندفعه در کلام آنها نهفته بود. به ناگهان ممالک حوزه خلیج و سایر کشورهای عربی به خطر عبور نیروهای خمینی از مرز و تجاوز به خاک عراق حساسیت شدید نشان دادند. عربستان سعودی به نمایندگی از جانبش کشور یادداشت شدید الحثی به سوریه داد و حمایت یکجانبه از رژیم خمینی را در زمانی که خطر تجاوز به سرزمین عربی وجود دارد مورد انتقاد شدید و تهدید آمیز (از نظر مالی) قرار داد. حسنی مبارک نیز به این خطر اشاره کرد و هشدار داد این واکنشها به خصوص بعد از سقوط هواپیمای وزیر خارجه الجزایر شدت بیشتری گرفت و اکنون مساله تجاوز احتمالی نیروهای خمینی به عراق طوری در اذهان جهانیان جا افتاده که دیگر از نقطه نظر سیاسی و تبلیغاتی قابل انکار نمی باشد، به خصوص که مسئولین طراز اول رژیم خمینی نیز دست از تکذیب صریح برداشته و برعکس در صد توجیه "منطقی" آن برآمده اند: "اثر از مرزهای خودمان بیرون رویم تنها به خاطر احقاق حقمان است" (رفسنجانی، دوشنبه ۶۱/۲/۲۷)

به هر حال بر سر این موضوع جنگ روانی شدیدی در کنار نبرد نظامی جریان یافته است و ممالک عربی یقیناً در پی ارائه مواضع و طرحهای به منظور خلع سلاح سیاسی رژیم خمینی و آشکار کردن ماهیت واقعی اهداف آن بر خواهد آمد. در واقع گرایش رژیم خمینی به اعزام نیرو به داخل خاک عراق مساله ای است که دو سال تمام حول آن تبلیغ شدید و بسیج روانی شده است. بیست ماه است که خمینی از فتح کربلا و قدس سخن می گوید و با این دم آتش هیجان حزب الله و جوانان خردسال را شعله ور نگه داشته است. ماههاست بر در و دیوار و صفحات روزنامه ها و پرده تلو یزیون شعار "برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه ها" نقش بسته و در پی هر جنازه ای که از میدان جنگ می آید توجه سرائی می کنند که "جان داده و کربلا ندیده"، وانگهی بارها و بارها رژیم خمینی طرحها و کوششهای عدیده هیاتهای صلح را با قید "مجازات صدام" و "غرامت جنگی" و گاهی "سرنوشتی رژیم صدام" مواجه با شکست کرده است و آخرین بار شخص خمینی در نطق یکشنبه اخیر خود کماکان از "سقوط صدام و انشاء الله حزب بعث" سخن گفت. با این تفصیل وضعیت رژیم تهران حالت بلنگی را دارد که به اشتباهی شکار طعمه خیر برداشته غافل از اینکه "شکار" مطلوب در مرداب قرار دارد! البته اکنون که سرزنشگاه رسیده اند - ظاهراً متوجه شده اند که چه شکری خورده اند. لکن اینکه دیگر امکان بازگشتی از مواضع قبلی باشد، خود از دشواریهای این شرایط حساس می باشد و مشکلات مختلفی را که در صورت نرسیده عقب گرفتن بروز خواهد نمود نباید از نظر دور داشت (دهها هزار خانواده حزب الله فرزندان خردسال و جوان خود را در راه فتح کربلا و قدس از دست داده اند. قضیه به سادگی مساله

های سنگین آینده هستند. در سایر جبهه های جنگ عراق کماکان مواضع قبلی خود را حفظ کرده است. از سوی دیگر يك سلسله حرکتهای جدید و سیاسی در جریسان است. مصر که از مدتها پیش به سبب نزدیکی تاریخ تخلیه صحرای سینا از نیروهای اسرائیل راجع به مسائل منطقه خاور میانه و از جمله جنگ ایران و عراق با حزم و احتیاط تمام موضع می گرفت، اکنون به دنبال ختم عملی مرحله اول قرارداد کمپ دیوید و بساز پس گرفتن صحرای سینا از نیروهای اسرائیل با دست بازو آرزوی فراخ" وارد صحنه سیاسی منطقه شده و آماده است که نقش فعالی در قضایای جاری عهده دار شود. به یاد داشته باشیم که ممالک کوچک خلیج فارس از آغاز جنگ در محصه آزار دهنده ای گرفتار آمده بودند. آنها به سبب توسعه طلبی ایدئولوژیک و سیاست صدور انقلاب با رژیم خمینی ضدیت داشتند ولی از طرف دیگر در معرض خطر برتری طلبی و سلطه نظامی عراق نیز قرار گرفته بودند. با اینهمه عراق کشوری عربی بود و جنگ ظاهراً حول محور عرب در مقابل عجم در گرفته بود و لذا آنها ناگزیر از نوعی حمایت بودند. تبلیغات توسعه طلبانه و تمایل به ادامه جنگ و نظامی کردن سراسر جامعه ایران و علنی شدن حمایت سوریه و لیبی و کره شمالی (به علاوه حمایت تسلیحاتی پنهان اسرائیل و آفریقای جنوبی از ایران) از رژیم خمینی و تکیه فزاینده این حکومت بر اردوگاه شوروی، دول ساحل جنوبی خلیج و دریای عمان را اضطراباً به سمت حمایت بیشتر از مواضع عراق سوق داده بسود حال آنکه عراق قوی و پیروز مطلوب آنها نبود، کما اینکه خمینیسی فاتح نیز کابوس مخوفی مینمود. در این میان جنگ فرسایشی شد و این روند بر وفق مراد این کشورها بود، تا اینکه رژیم خمینیسی در اواخر سال گذشته تحت فشار مسائل و مبرمات جامعه و مسائل مربوط به جانشینی و نفت و... در صد پیشروی به هر قیمت و ایجاد جو بیروزی و فتح برای امت در حال انتظار برآمد. ماهیت تبلیغات رژیم هم طی دو سال اخیر طوری بود که دیگر نمیشد شعار فتح کربلا و قدس را تکرار کرد، ولی کماکان در شرق کارون درجا زد. تحول در تناسب قوا و اوضاع جنگ امری ضروری شده بود و لذا تاکتیک هجوم پرتلقات از آغاز سال ۶۱ به مرحله اجرا درآمد. به دنبال تغییر در وضعیت جبهه ها امکان حرکات غیر قابل کنترلی از جانب قوای خمینی پدیدار شد و بلا فاصله ممالک حوزه خلیج متوجه خطرات و امکانات جدید شدند. رژیم خمینی سرصفت از "فتح العین" به رجزخوانی در باره آینسده سیاسی و حکومتی عراق پرداختند و در این بلند پروازیهای ابلهانه تا آنجا پیش رفت که نام عملیات اخیرش را نیز "الی بیت المقدس" گذاشت. رژیمهای عربی مخالف خمینی اینبار با عطف توجه بسده جنگ طلبی و عنان گسیختگی ایدئولوژیک رژیم تهران، در روند عملیات اخیر شانسی برای تله گذاری و به دام انداختن سیاسی

نیست و چه بسا در شرایط مساعد رژیم خمینی هم زیر پوشش تبلیغاتی جدیدی و البته فریاد مرگ بر امریکا سینه خیز به طرف شیطان بزرگ برود. به خاطر حفظ خود این رژیم به هر کاری دست می زند. اما در این گیرودار موضع شوروی چگونه خواهد بود؟ واقعیت این است که مدتهاست شوروی موضع روشن و صریحی نگرفته است. آیا شوروی این باخت سیاسی احتمالی را در عراق با هضم و احتیاط خواهد پذیرفت یا اینکه چون يك قمار باز بازنده ولی سرسخت با زیاد کردن مایه (تسلیحاتی و سیاسی) وارد دوره جدیدی از بازی دخالت و اعمال نفوذ در منطقه خواهد شد؟ رژیم خمینی برای اینچنین واکنشی نیز شکار خوبی خواهد بود.

۶۱/۲/۲۸
ک. کوشان

در این بن بست:

دهانت را می‌بویند
مبادا که گفته باشی دوست می‌دارم.
دلت را می‌بویند
روزگار غریبی ست، نازنین
و عشق را
کنار تیرک راجند
تاز یانه می‌زنند.
عشق را در پستری خانه نهان باید کرد
در این بن بست کج و پیچ سرما
آتش را
به سرخسبار سرود و شعر
فروزان می‌دارند.
به اندیشیدن خطر مکن.

روزگار غریبی ست، نازنین

آن که بر در می‌گوید شبانگام
به کشتن چراغ آمده است.

نور را در پستری خانه نهان باید کرد
آنک، قصابانند
بر گذرگاه‌ها مستقر
با کنده و ساطوری خونالود

روزگار غریبی ست، نازنین

د تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند
د ترانه را بر دهان.

شوق را در پستری خانه نهان باید کرد
کباب فزاری
بر آتش سوسن و یاس

روزگار غریبی ست، نازنین

ابلیس پیروز مست
سور عزای ما را بر سفره نشسته است.

خدا را در پستری خانه نهان باید کرد

گروگانها قابل حل نیست. سپاه پاسداران طالب توسعه انقلاب " و تعقیب صدام " با دانشجویان خط امام فرق دارد! هرطور که نگاه کنیم رژیم خمینی در نیمی فشار و اضطراب برای تجاوز به خاک عراق قرار دارد و سیاستمداران کهنه کار عربی هم درست از همین موقعیت اضطرابی خمینی نهایت استفاده را می‌کنند. آنها از اقدام مشترک اعراب علیه ایران " در صورت تجاوز " سخن می‌گویند و مصر به رژیم خمینی هشدار می‌دهد. مصر مایل است هرچه زودتر به جامعه عرب بازگردد و هم اکنون اکثر دول عربی نیز از این خواست حمایت می‌کنند. رست دفاع از قومیت عرب و خاک عربی در مقابل تجاوز احتمالی رژیم خمینی ایده آل ترین حالت برای مصر به منظور خروج از انفراد و ورود همراه با استقبال گرم به جامعه عرب می‌باشد. این بازگشت به صحنه سیاسی فعال و احتمالاً دخالت در جنگ ایران و عراق (در شرایطی که صدام حسین در استیصال قرار گیرد ناچار به اقدام مشترک اعراب و مصر تن در خواهد داد) علی‌الخصوص مطلوب دول عربی حسوزه خلیج می‌باشد و آنها را از وضعیت دشوار قرار گرفتن بیسن دو خصم " انقلابی " نجات می‌دهد و از سوی دیگر به ناگزیر به فعال شدن مجدد " طرح فهد " و ادغام احتمالی عراق در سلك موافقین آن و نهایتاً انفراد ناگهانی سوریه و لیبی منجر خواهد گردید.

تهنأ جسام و تلأه

با این تفصیل روشن است که مساله عبور نیروهای خمینی از سرز عراق نقطه عطف مهمی در جریانات سیاسی منطقه عربی خواهد بود و اینبار به نظر می‌رسد که خمینی در چاهی می‌افتد که خود کنده است. حال اگر نیروهای رژیم توان غلبه بر قوای اعراب در جبهه خرمشهر را هم نداشته باشند باز هم مساله عبور از مرز یکسوی از امکانات بسیار قوی باقی میماند، زیرا فرماندهی نظامی سپاه و ارتش می‌تواند ضرورت گذشتن از مرز و تصرف بخشی از خاک عراق را به ازای خرمشهر و سایر مناطق اشغالی در جبهه غرب، توجیه کنند و رای مثبت خمینی را برای عبور بگیرند، امری که ظهیر نژاد در آخرین مصاحبه مطبوعاتی به آن اشاره می‌کند! در هر صورت از نظر سیاسی مصر در موقعیت بسیار خوبی قرار گرفته و از همراهی و حمایت تعداد زیادی از معالک صاحب دلا عربی هم برخوردار است. تمام شواهد و قراین حاکی از این است که غرب به صورتی استراتژیک بازی سیاسی بزرگی را به نفع مطامع خود و به ضرر نقشه های نفوذی شوروی به پیش می‌برد و در انتظار بربر بزرگ سیاسی مجدد در عراق، همچون برد در مصر و سپس سومالی (به هنگام در گرفتن جنگ سومالی - اتیوپی و خارج شدن سومالی از حیطه نفوذ شوروی) می‌باشد. مضافاً بر اینکه در مورد ایران هم شانس نفوذ امریکا از داخل فراکسیونهای حاکم (حجتیه و...) و نیز در وضعیت استیصال نظامی و تسلیحاتی بعدی رژیم خمینی کم

آزادی خواهان و انقلابیون

دوستان و طرفداران

شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال
در تکثیر و پخش هر چه گسترده تر پیام آزادی
ما را یاری دهید.

Postlager-Nr. 076287A

آدرس پستی:

5600 WUPPERTAL 1

WEST-GERMANY

R.V.L.

حساب بانکی:

STADTSPARKASSE WUPPERTAL

KONTO-Nr. 598573

BLZ: 330 500 00